



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

The Structure and Propagation Methods of the Islamic Seminary Clerics in the Age of the Three Marja's (1936-1943)

Mohammad Hossein Kazemi*

Abstract

In addition to understanding the importance of Islamic seminary clerics to their mission in propagating religion and paying attention to it, and with the aim of obtaining the structure and methods of their propagation in the age of the three Marja' (a jurist and religious scholar who issues fatwas), the present study tries to answer the question that " What was the structure and methods of propagation Islamic seminary clerics in the age of the three marja's (Seyed Mohammad Taqi Khansari, Seyed Sadruddin Sadr and Seyyed Mohammad Hojjat Koh Kamari: 1936-1943)? To find the answer to this question, the required information was first collected using library sources and then we got the answer by describing and analyzing the data. The findings of the present study suggest that the Islamic seminary clerics in this era had very difficult conditions and the pressure of the government on the seminary was so much that the dismantling of the Islamic seminary of Qom was even expected. In this era, by tolerating great hardships and self-sacrifice, the three marja's succeed in managing and keeping the seminary with measures such as the maintaining the existing schools and establishing new schools, the scientific training of students and fixing students' material problems, as well as preserving propagational structure of Islamic seminary clerics. In the propagational methods, the Islamic seminary clerics used the speeches, propagation in written media such as books and press, collective prayers such as Friday prayers, holding ceremonies of Ahl al-Bayt and rain prayers, political efforts to implement rulings and poetry.

Keywords

The three marja's, Islamic Seminary of Qom, methods of religious propagation, Seyed Mohammad Taqi Khansari, Seyed Sadruddin Sadr, Seyed Mohammad Hojjat Koh Kamari.

* PhD in History of Islam, Baqir al-Olum University. kmohamadhosein@gmail.com



دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال چهارم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ساختار و روش‌های تبلیغی حوزویان در عصر مراجع ثلاث (۱۳۲۳-۱۳۱۵ش)

محمدحسین کاظمی*

چکیده

پژوهش حاضر، با درک اهمیت حوزویان به رسالت خود در تبلیغ دین و اهتمام به آن و با هدف به دست آوردن ساختار و روش‌های تبلیغی آنان در عصر مراجع ثلاث، در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که «ساختار و روش‌های تبلیغ حوزویان در عصر مراجع ثلاث (سید محمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای: ۱۳۱۵-۱۳۲۳ش) چه بود؟» برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد و سپس، با توصیف و تحلیل داده‌ها به پاسخ رسیدیم.

یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که حوزویان در این عصر، شرایط بسیار دشواری داشتند و فشارهای حکومت به حوزه به قدری است که حتی توقع برچیده شدن حوزه علمیه قم، دور از ذهن نبوده است. مراجع ثلاث در این عصر، با تحمل سختی‌های زیاد و از خود گذشتگی، موفق به مدیریت حوزه می‌شوند که در نتیجه، با اقداماتی چون نگهداری مدارس موجود و تأسیس مدارس جدید، تربیت علمی طلاب و حل مشکلات مادی طلاب و نیز ساختار تبلیغی حوزویان حفظ می‌شود. در بخش روش‌های تبلیغی نیز حوزویان از منبر، تبلیغ در رسانه‌های مکتوب مانند کتاب و مطبوعات، عبادت‌های جمعی مانند نماز جمعه، برگزاری مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و نماز باران، تلاش سیاسی برای اجرای احکام و شعر بهره بردند.

کلیدواژگان: مراجع ثلاث، حوزه علمیه قم، روش‌های تبلیغ دینی، سید محمدتقی خوانساری، سید

صدرالدین صدر، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای.^۱

* دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام: kmohamadhosein@gmail.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله تالیف شده است.

مقدمه

به تصریح قرآن، سنت، اجماع و سیره مسلمانان، اسلام دینی جهانی و خاتم ادیان است و به یک قوم و زمان محدود اختصاص ندارد (برای نمونه، ر.ک: انعام: ۹۰ و ۱۹؛ انبیاء: ۱۰۷؛ فرقان: ۱؛ احزاب: ۴۰) و مخاطبان آن، تمامی انسان‌ها هستند تا هدایت یابند (شوری: ۵۲؛ بقره: ۲) و با بهره‌گیری از «کتاب» و «میزان»، قسط و عدل بر پا کنند (حدید: ۲۵). بنابراین، تبلیغ، از آموزه‌های قطعی دین اسلام است و محتوای این تبلیغ را اموری چون دین و رسالت الهی و خیر و معروف (آل عمران: ۱۰۴؛ توبه: ۷۱؛ حج: ۴۰-۴۱) تشکیل می‌دهد (الویری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۴۴۸).

بر همین اساس، مراجع تقلید و روحانیون حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، تبلیغ دین را یکی از وظایف اصلی خود شمرده و برای آگاه‌سازی و هدایت مردم، در بسط و گسترش مکتب اهل بیت علیهم‌السلام کوشیده‌اند؛ تا جایی که می‌توان گفت پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در حال حاضر، مرهون تلاش‌های آنان هستند. روحانیون و دینداران کنونی، اگر در اندیشه ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند، لازم است تا نسبت به مسیر طی شده توسط گذشتگان، آگاهی پیدا کنند؛ زیرا این نوع آگاهی می‌تواند در برنامه‌ریزی برای تبلیغ دین کمک‌های شایانی کند و بخشی از ناهمواری‌های مسیر پیش روی تبلیغ دین را از میان بردارد.

برای کسب آگاهی، لازم است تا ادوار مختلف به صورت دقیق و روشمند مورد مطالعه قرار گیرد. به همین منظور، در این نوشتار، دوران مراجع ثلاث (۱۳۱۵-۱۳۲۳ ش) برگزیده شد تا روش و ساختار تبلیغ حوزویان در این دوره را مورد مطالعه قرار دهیم و در واقع، می‌کوشیم به این سؤال پاسخ دهیم که: «ساختار و روش‌های تبلیغ حوزویان در عصر مراجع ثلاث چه بود؟» برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد و سپس، با توصیف و تحلیل داده‌ها، به پاسخ رسیدیم.

پیشینه

در باره موضوع بحث، به چند منبع منتشر شده اشاره می‌کنیم:
- مصطفی قلی‌زاده علیار (۱۳۸۹ ش)، مراجع ثلاث، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

این اثر با روش توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، سیری در زندگی و فعالیت‌ها و آثار مراجع ثلاث دارد و تلاش می‌کند تا تصویری از دوران زعامت ایشان بر حوزه علمیه قم ارائه کند که از این نظر، برای تحقیق حاضر مفید است؛ اما بر روش و ساختار تبلیغی حوزویان در این دوره، تمرکز ندارد و تنها موارد اندکی را بیان می‌کند.

- شکرالله اسدی مبرهن (۱۳۹۱ش)، زندگی سیاسی و اجتماعی آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

این کتاب با روش توصیفی - تحلیلی، در پی نشان دادن زندگی سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خوانساری است و از بدو تولد تا دوران تحصیل، مبارزه با اشغالگران انگلیس، روابط ایشان با سایرین، کنش‌های سیاسی - دینی مانند ملی شدن صنعت نفت، انتخابات مجلس هفدهم، مسئله فلسطین، نماز باران، امر به معروف را مورد مطالعه قرار داده است.

- سید علی رضا سید موسوی (۱۳۹۳ش)، «نقش حضرات آیات: حجت، خوانساری و صدر در اداره حوزه علمیه قم از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۳ش»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، استاد راهنما: علی‌رضا ایمانی مقدم، استاد مشاور: ناصرالدین انصاری قمی.

این پژوهش، نقش مدیریتی مراجع ثلاث در این دوره را مورد مطالعه قرار داده و در بخش ساختار، به پژوهش ما نزدیک است؛ اما نسبت به روش‌های تبلیغی، مبحثی را ارائه نمی‌کند.

- حسن زندیه و حسینعلی قربانی (۱۳۹۸ش)، «جریان‌شناسی تطبیقی مطبوعات دینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۲۸۶-۱۳۲۰ش)»، فصلنامه معرفت، سال بیست‌وهشتم، شماره ششم، ص ۶۷-۷۷.

این مقاله، در جمع آوری داده، متکی به روش کتابخانه‌ای است و داده‌های کمی و کیفی را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد و در مقام پاسخ به این سؤال است که «مطبوعات دینی و مذهبی این دوره، کدام مسائل زمانه خود را به نحو انتقادی مورد توجه قرار دادند؟» و به این نتیجه می‌رسد که مطبوعات دینی، به نقد دیدگاه‌های غربی پرداخته و مسائلی چون: نظام آموزشی و فرهنگ غرب، مسائل زنان، عقب‌ماندگی مسلمانان و راهکارهای رفع آن و لزوم اجرای قوانین اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند. این پژوهش، در بیان تلاش مطبوعاتی حوزویان برای تبلیغ دین به پژوهش

پیش رو نزدیک می‌شود؛ اما از دو حیث با ما تفاوت دارد؛ اول، دوران مورد مطالعه ما محدودتر از این پژوهش است و دوم آنکه ما علاوه بر مطبوعات، سایر روش‌های تبلیغی طلاب را نیز مورد توجه قرار داده‌ایم.

در مجموع، می‌توان گفت پژوهش‌های گذشته، اطلاعات مفیدی در این موضوع ارائه می‌کنند که مطالعه آنان برای پژوهش در این موضوع لازم است و به وسعت دید محقق کمک می‌کند و برخی تا حدودی به قسمت ساختار تبلیغی پژوهش حاضر هم نزدیک می‌شوند؛ اما به روش‌های تبلیغی حوزویان در این دوره نمی‌پردازند و با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از مباحث این مقاله، مربوط به روش‌های تبلیغی حوزویان است، می‌توان این بخش را نوآوری تحقیق حاضر به شمار آورد که علاوه بر اینکه افق جدیدی پیش روی پژوهشگران این حوزه است، می‌تواند بخشی از مسیر طی شده حوزویان در تبلیغ دین را برای مدیران و برنامه‌ریزان تبلیغ دین روشن کند.

اوضاع و شرایط جامعه در عصر مراجع ثلاث

ایران در عصر زعامت مراجع ثلاث بر حوزه قم، به لحاظ دینی، در شرایط مطلوبی نبود. بخش عمده‌ای از این دوره، مصادف با سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) بود. در این دوره، رضاشاه به تقلید از غرب، دین را مانع پیشرفت می‌پنداشت و اجتماع سه عنصر: «ناسیونالیسم افراطی»، «مدرنیسم» و «قدرت‌گرایی استبدادی» در او، به رویارویی او با ارزش‌های مذهبی و روحانیت منجر شد (حسینیان، ۱۳۸۷، ص ۴۱۳)؛ تا اینکه کم‌کم تبلیغات علیه علما و رسوم دینی، از قبیل: روضه‌خوانی، سینه‌زنی و تعزیه را شروع کرد؛ حتی رفتن به زیارت حج هم برای مدتی ممنوع شد (نیازمند، ۱۳۸۳، ص ۴۰۵) و نطقه اوج آن، از سال ۱۳۱۴ش و به موازات اجرای قانون کشف حجاب بود که اوضاع اجتماعی کاملاً تغییر کرد. در همین سال، به حکام ولایات دستور داده شد تا از راه انداختن دسته‌های عزاداری در ماه محرم و صفر جلوگیری کنند و مردم را تشویق کنند تا در مجالس روضه، بر روی صندلی بنشینند. پس از واقعه گوه‌رشاد (۱۳۱۴ش) و تشدید خفقان، سختگیری در باره برپایی مجالس روضه افزایش یافت و مأموران شهربانی موظف شدند که از مجالس عزاداری جلوگیری نمایند؛ حتی کار به جایی رسید که در بعضی شهرها، وعاظ و برپاکنندگان مجالس روضه را با سرنیزه به زندان می‌فرستادند

(بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳-۱۴۴). این قبیل محدودیت‌ها، به‌ویژه ممنوعیت برگزاری مجالس عزا که صورت رسمی پیدا کرده بود، تا سال ۱۳۲۰ ش ادامه داشت (گلی زواره، ۱۳۷۵، ص ۲۹). این اقدامات، دوران رضاشاه را تبدیل به دوران مبارزه با مذهب و از میان بردن سنت‌ها و نهادهای مدنی دینی مانند حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه کرد (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۲۸).

این شرایط، روحانیت را بسیار تضعیف کرد و در شرف نابودی قرار داد و رضاشاه به آرمان خویش که همان اسلام‌زدایی بود، نزدیک تر شد. با قانون تغییر لباس، روحانیت به شدت محدود شد؛ تا جایی که فشار دستگاه پلیسی و تبلیغات تحقیرکننده شاه، موجب شد عده زیادی از روحانیون، لباس خود را بیرون آوردند و هم‌رنگ جماعت شوند. حوزه‌های علمیه چنان ضعیف شدند که بسیاری از آنها، مخروبه شد و یا مدرسه مروی تهران، به دبیرستان دخترانه تبدیل گردید (حسینیان، ۱۳۸۷، ص ۴۲۹). در سایر شهرها نیز بسیاری از مدارس علمیه را به روی طلاب بسته، فضای آنها را در اختیار محصلان جدید قرار داده بودند. همچنین، بسیاری از این مدارس، توسط بازاری‌ها به صورت کاروانسرا و انبار کالا در آمده بود (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۴۰؛ برای نمونه: خاتم یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۸-۱۹ (در شهر یزد)؛ خسروشاهی، ۱۳۷۵، ص ۶۶-۶۸ (در شهر ساری)).

شرایط پس از ارتحال آیت‌الله حائری (۱۲۳۸-۱۳۱۵ ش)

اوضاع حوزه علمیه قم هم در این دوران، شرایطی مشابه سایر نقاط ایران داشت؛ هرچند به لطف تلاش‌ها و تدابیر آیت‌الله حائری، اندکی این فشارها کمتر بود؛ اما دولت وقت با جدیت، محدودیت روحانیون و اهل علم را در نظر داشت و در این مسیر، از هیچ تلاشی فروگذار نبود. این مسئله، به‌روشنی پس از درگذشت آیت‌الله حائری برای همگان روشن بود؛ به‌طوری‌که دولت اجازه برگزاری مراسم فاتحه برای ایشان در شهرهای ایران را نداد و حتی در قم نیز در مسجد بالاسر، بیش از دو ساعت اجازه فاتحه خوانی ندادند و مراسم را برهم زدند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۹۰). با توجه به این شرایط، حتی خود علما و روحانیون نیز بیم این را داشتند که پس رحلت آیت‌الله حائری، عرصه برای حکومت بیش از گذشته توسعه یافته و دست ایشان برای هر اقدامی علیه حوزه علمیه باز خواهد بود. محمد شریف رازی (۱۳۰۱-۱۳۷۹ ش) در مورد شرایط آن دوران می‌نویسد:

پس از فوت مرحوم آیت‌الله حائری که همه یقین به انحلال حوزه و تفرقه و پراکنده شدن طلاب را داشتند و به گفته یکی از مراجع و حجج امروز که می‌گفتند ما انتظار روز بعد و دوم آیت‌الله را هم در قم نداشتیم و می‌گفتیم حتماً همین روز اول ماشین‌ها را در مدرسه و صحن می‌آورند و همه را تبعید خواهند نمود؛ زیرا به قدری سخت بر ما گرفتند که غیر از آن را منتظر نبودیم (همان).

شرایط به گونه‌ای بود که حتی خود مرحوم شیخ هم احتمال نمی‌داد که پس از رحلتش، حوزه قم باقی بماند. ایشان فرموده بود: «اگر شما سه روز بعد از من، حوزه را باقی بدارید، روح من از شما ممنون خواهد شد» (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۷).

سرپرستی حوزه علمیه قم توسط مراجع ثلاث و حفظ ساختار تبلیغی

آیت‌الله حائری برای حفظ تلاش‌های چندین ساله و اطمینان از آینده حوزه علمیه قم که با زحمات فراوان آن را تأسیس کرده بود، سه تن از بزرگان فقها، یعنی آیات عظام: سید محمدتقی خوانساری (۱۲۶۷-۱۳۳۱ش)، سید محمد حجت کوه‌کمری (۱۲۷۱-۱۳۳۱ش) و سید صدرالدین صدر (۱۲۶۰-۱۳۳۲ش) را نزد خود فراخواند و امور حوزه علمیه قم را به آنان سپرد (شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۱۱۱-۱۱۲).

ایشان نیز عزم خود را برای ادامه مسیر مرحوم آیت‌الله حائری جزم کردند و با یکدیگر تصمیم گرفتند که با تشریک مساعی، حوزه علمیه را همچنان اداره نمایند و زحمات طاقت‌فرسای آیت‌الله حائری را حفظ کنند (شریف‌رازی، ۱۳۷۳، ص ۹۰).

اداره حوزه علمیه در دوران مراجع ثلاث، شامل دو مسئله مهم بود. نخست، حفظ حوزه شامل: تعمیر مدارس موجود، تأسیس مدارس جدید و تأمین نیازهای آن. دوم، توجه به تحصیل و تربیت طلاب به عنوان مبلغان دینی. حل این دو مسئله در آن شرایط، می‌توانست بقای حوزه و حفظ ساختار تبلیغی حوزویان را به ارمغان بیاورد؛ زیرا حوزه علمیه قم در این دوران، به تربیت واعظ و منبری شهرت پیدا کرده بود (الوانساز، ۱۳۹۴، ص ۴۰۲).

مراجع ثلاث برای رسیدگی به امور حوزه، جلساتی را با محوریت آیت‌الله صدرالدین صدر برگزار می‌کردند (شیری، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۵۵۷) تا به مرور توانستند با تقسیم کار، به تدبیر امور پردازند و در این میان، اختلاف مهمی نیز رخ نداد (اسدی، ۱۳۹۱، ص ۶۶)؛ چراکه این بزرگان در

برابر یکدیگر حس برتری جویی نداشتند (برای نمونه، ر.ک: شبیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۲۹) و حاصل تدابیر مراجع ثلاث در حل مسائل حوزه را می توان این گونه برشمرد:

۱. تعمیر و نگهداری مدارس موجود و تأسیس مدرسه جدید

در این زمان، اغلب مدارس علمیه قم وضعیت مطلوبی نداشت. به همین منظور، آیت الله صدر پس از مرجعیت، حجره های پایینی مرطوب مدرسه فیضیه را تعمیر کرد و زیر آن را برای کم کردن رطوبت، خالی نمود و مانند سرداب ساخت تا طلاب ساکن مدرسه، از خطر رطوبت و روماتیسم و درد پا مصون بمانند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۳). ایشان علاوه بر مدرسه فیضیه، مدارسی مانند: مدرسه خان، مدرسه حاجی سید صادق و مدرسه ملاصادق را نیز تعمیر می کند (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۳ و ۱۰۳) و در سال ۱۳۲۰ ش نیز عهده دار بنای طبقه دوم مدرسه دارالشفاء می شود (همان، ج ۲، ص ۱۵۳۷).

بزرگترین کار عمرانی در حوزه علمیه قم در آن دوره را آیت الله حجت با بنای مدرسه علمیه ای که بعدها به نام «مدرسه حجتیه» معروف شد، به انجام رساند. ساخت این مدرسه، با کلنگ زنی آیت الله حجت در ۱۳۲۰ ش آغاز شد و با کمک خیرین به اتمام رسید و در اختیار طلاب علوم دینی قرار گرفت. این مدرسه که در نزدیکی حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار دارد، در دهه های اخیر در شمار مدارس علمیه فعال و معروف ایران به حساب آمده است (قلی زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۸-۸۰؛ الوانسان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷-۱۴۷).

۲. تربیت علمی طلاب

یکی دیگر از دغدغه های مراجع ثلاث، تربیت علمی طلاب بود؛ زیرا هرچه یک طلبه به لحاظ علمی تربیت یافته تر بود، زمینه موفقیت او در تبلیغ میسر می شد. به همین منظور، مراجع ثلاث به مدیریت و نظارت بر دروس پرداختند و دروس خود را نیز ادامه دادند. آیت الله صدر در این دوره، هفته ای ۱۰ ساعت برای طلاب و فضلا تدریس داشت که از حوزه درس ایشان صدها نفر عالم و دانشمند زبردست بیرون آمدند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۳). آیت الله حجت نیز به صورت مداوم به تدریس خارج فقه و اصول ادامه داد (الوانسان، ۱۳۹۴، ص ۶۱).

هم زمان به درخواست شیخ محمد صدوقی (۱۲۸۷-۱۳۶۱ ش) و شیخ مجتبی عراقی

(۱۳۷۹-۱۲۹۳ ش) و تعدادی دیگر، به آیت‌الله خوانساری پیشنهاد می‌شود که ایشان ادامه درس خارج مرحوم شیخ عبدالکریم حائری را بگویند و او این پیشنهاد را می‌پذیرد (ایدرم، ۱۳۷۳، ص ۵۰-۵۱؛ انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰). ایشان در نظر طلاب، فقیهی زبردست و بحاث بود. مجلس درس او که در مدرسه فیضیه زیر کتابخانه تشکیل می‌شد، جلسه پُرشور و گرمی بود و مباحثات تند و دراز در آن مجالس در می‌گرفت (انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۲۱۷).

اما تلاش آقایان ثلاث برای تربیت علمی طلاب، منحصر در تدریس ایشان و دیگر اساتید نبود و آیات ثلاث، تدابیر دیگری نیز اندیشیده بودند؛ مانند اینکه آیت‌الله صدر، امتحاناتی برای طلاب قرار داد بود و خود نیز بر آن نظارت داشت (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۰۵).

همچنین، یکی از شیوه‌های علمی و تربیتی آیت‌الله حجت، برگزاری مسابقات حدیث اهل بیت علیهم‌السلام در بین طلاب و فضلا بود. در آن سال‌ها، بسیاری از کتب روایی و جوامع حدیثی هنوز به سبک جدید با فهرست‌بندی و فهرست موضوعات چاپ و منتشر نشده بود و به همان شکل و شیوه چاپ سنگی و گاه به صورت خطی در اختیار اهل علم قرار داشت و گاهی پیدا کردن یک حدیث، مدت‌ها وقت می‌برد. بنابراین، آیت‌الله حجت برای انس و الفت دادن طلاب با متون روایات و واداشتن آنان به تحقیق و پژوهش در اسناد و مدارک و متن احادیث، حدیثی را به مسابقه می‌گذاشت که هرکس این حدیث را پیدا کند، فلان مقدار جایزه می‌گیرد. طلاب علاقه‌مند و اهل تحقیق، به جست‌وجو در متون و کتب روایات می‌پرداختند و پیدا می‌کردند و جایزه هم می‌گرفتند. مرحوم آیت‌الله حجت، بدین گونه با ایجاد انگیزه سالم و سازنده، طلاب را به تحقیق و تلاش علمی وا می‌داشت (قلی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۹-۶۰). حاصل مجاهدت علمی مراجع ثلاث، پرورش طلابی بود که تبدیل به علما و مبلغان بزرگ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام شدند (برای اطلاع از اسامی شاگردان، ر.ک: شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۶۹-۹۷؛ انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۳۳۵-۴۲۲؛ الوان‌ساز خوبی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵-۱۳۵).

۳. حلّ مشکلات مادی طلاب

حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، نه تحت سرپرستی حکومت‌ها بوده‌اند و نه از درآمد خاصی بهره برده‌اند. به همین دلیل، اداره آن و تربیت طلاب همواره با مشکلات مالی همراه بوده است. مراجع تقلید برای کمک به حلّ مشکلات طلاب، مبالغی را از منبع وجوهات شرعی به

صورت ماهانه یا مناسبتی به طلاب پرداخت می‌کنند. در این دوره نیز مراجع ثلاث، مبالغی را تحت عنوان «شهریه» به طلاب پرداخت می‌کردند (شیری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۷۱). آیت‌الله حجت علاوه بر شهریه نیز مقداری نان برای طلاب در نظر گرفته بود که به صورت ماهانه به ایشان اختصاص می‌داد (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۹۰). آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت، همچنین مبالغی را اضافه بر شهریه، برای تشویق به طلاب کوشا پرداخت می‌کردند (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۰۵؛ الواناساز، ۱۳۹۴، ص ۱۸۹-۱۹۱).

با وجود تمام این مواردی که از سوی مراجع ثلاث برای حل مشکلات مالی طلاب انجام می‌شد، اما کفاف حداقل‌های زندگی آن روز را نمی‌داد و تهیه مبالغ آن هم برای اداره حوزه علمیه قم نیز بر مراجع دشوار بود (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۷). در نتیجه پس از مدتی، اداره حوزه از جهت مالی مشکل می‌شود و آیت‌الله صدر برای اداره حوزه چند ماه قرض می‌کنند؛ ولی پس از آن، دیگر قرض هم ممکن نیست و طلاب با مشکل مواجه می‌شوند که با توسل ایشان به حضرت معصومه علیها السلام و مساعدت یکی از مؤمنان شیراز، مشکل به صورت موقت حل می‌شود (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۸۶-۸۸)؛ اما ادامه این وضعیت، دشوار بود و ممکن بود تا موجودیت حوزه قم را که با تلاش‌های فراوان به اینجا رسیده بود، به خطر اندازد. برای دفع این خطر، آیت‌الله صدر تصمیم می‌گیرد تا از مرجع کل جهان تشیع، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۲۵-۱۲۴۴ ش) که ساکن نجف بود، کمک بگیرد؛ زیرا ایشان پس از مدتی، اجازه هزینه وجوهات در قم را با وجود تأیید اولیه، پس گرفته بود. به همین منظور، آیت‌الله صدر برای جلب کمک ایشان، راهی نجف می‌شود؛ اما در مذاکرات آیت‌الله صدر با آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، به علت فقدان منابع کافی حوزه نجف، کمک به حوزه قم را باعث شکست حوزه نجف می‌داند و به همین جهت، این تلاش آیت‌الله صدر، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۶-۵۳۷).

آیت‌الله صدر پس از بازگشت از نجف، این بار تدبیر دیگری اندیشید و آن دعوت از آیت‌الله بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰ ش) به قم بود تا ایشان ریاست و اداره حوزه علمیه قم را به عهده بگیرد و مشکلات را حل کند. به همین علت، با برگزاری جلسه‌ای آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حجت را با خود همراه کرد (شیری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۶۶؛ انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸) و در نتیجه

تلاش‌های ایشان، سرانجام آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۲۳ ش به قم آمد.

دعوت از آیت‌الله بروجردی و امکان حضور ایشان در قم برای زعامت حوزه علمیه، در عمل به معنای پایان دوران مدیریت و ریاست مراجع ثلاث بر حوزه علمیه قم بود؛ اما ایشان بقا و رشد حوزه علمیه قم و ساختار تبلیغی حوزویان را بر ریاست خود ترجیح دادند تا با این ایشار، زمینه شکوفایی حوزه علمیه فراهم شود. این ایشار، از نخستین روزهای حضور آیت‌الله بروجردی آغاز شد و تا پایان عمر مراجع ثلاث ادامه داشت.

آیت‌الله صدر پس از ورود آیت‌الله بروجردی به قم، جای نماز خود در صحن بزرگ حضرت معصومه علیها السلام را به آن مرحوم واگذار کرد و با این ایشار خویش، تا حدّ زیادی از نظر عامه مردم، فراموش و تقریباً خانه‌نشین شد (دوانی، الف: ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۰۵). وقتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی از دنیا می‌رود، آیت‌الله خوانساری با وجود اینکه رساله فقهی داشت و دارای مقلدان بسیاری بود، صبح همان روز به منزل آیت‌الله بروجردی تشریف می‌برد و ضمن عرض تسلیت می‌فرماید: «آقا بقای عمر شما باشد.» و به این ترتیب، مرجعیت علی الاطلاق آیت‌الله بروجردی را قبول می‌نماید و حتی در مواردی که فضلالی حوزه علمیه قم از ایشان سؤال می‌کنند که از چه کسی تقلید کنیم، می‌فرماید: «من آیت‌الله بروجردی را اعلم می‌دانم» (انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۹۸). آیت‌الله حجت هم در این دوران، آن‌چنان به حضور آیت‌الله بروجردی در قم ملتزم بود که آیت‌الله بروجردی در مورد ایشان فرمود: «در تمام مدتی که با هم بودیم، ندیدم ایشان کاری کند که کار بر من مشکل شود» (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۳).

به هر تقدیر، مراجع ثلاث و برخی دیگر از مجتهدان، از جمله مرحوم آیت‌الله فیض قمی (۱۳۴۰-۱۲۵۳ ش)، بعد از مرحوم آیت‌الله حائری و در سخت‌ترین شرایط و بحرانی‌ترین سال‌های غریبی و انزوای حوزه، توانستند در حدّ وسع و توان خویش نیازهای مادی و ضروری حوزویان را برآورده سازند و چراغ تعلیم و تعلم را در آن سال‌های خفقان و سیاه روشن نگهدارند (قلی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳) که این مهم، نقشی کلیدی در حفظ ساختار تبلیغ حوزویان داشت.

روش‌های تبلیغی

حوزویان در عصر مراجع ثلاث، از روش‌های متعددی برای تبلیغ دین استفاده می‌کردند که تنوع و گستردگی تبلیغات آن روش‌ها، به اوضاع و شرایط کشور وابسته بود؛ به این صورت که از

ابتدای عصر این مراجع تا میانه سال ۱۳۲۰ ش، تبلیغات به صورت بسیار محدود بود و عمده تلاش حوزویان، به حفظ ساختار تبلیغی و باقی ماندن حوزه‌های علمیه معطوف بود؛ اما پس از شهریور ۱۳۲۰ ش با سقوط رضاخان و ورود نیروهای متفقین به ایران، فضای سیاسی و فرهنگی برای مردم اندکی باز شد و رعب و وحشت از خشونت پهلوی، رخت بر بست و به تبع آن، بسیاری از ممنوعیت‌های پیشین، از جمله ممنوعیت برگزاری مراسم سوگواری نیز رنگ باخت (حسام مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹) و روحانیون فعالیت خود را از سر گرفتند و مدرسه‌های دینی کار خود را شروع کردند (کرمی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

۱. منبر

منبر وعظ و خطابه، یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین روش‌های تبلیغی حوزویان است که از دیرباز تا کنون مورد استفاده روحانیون قرار داشته است. در دوران مراجع ثلاث نیز منبر، یکی از روش‌های تبلیغی حوزویان بود که مراجع قم به آن توجه خاصی داشتند و از آن برای تبلیغ دین بهره می‌گرفتند.

آیت‌الله صدر، در مناسبت‌های مختلف منبر می‌رفت. عبدالهادی حائری در سال ۱۳۳۱ ش در وصف خطابه ایشان می‌نویسد:

از قدرت کلام این آیت‌الله بزرگ چه بگویم. همین قدر به جرئت می‌توانم عرض کنم که در ردیف بزرگ‌ترین ناطقین و سخنوران ایران به شمار می‌رود و تا چند سال اخیر که وضع مزاجی ایشان اقتضا داشت، در اعیادی از قبیل فطر و مجالس سوگواری که متعلق به خودشان بود، خود بر عرشه منبر می‌رفتند و با لحن غرا و رسا و بیانات فصیح و شگفت‌آور خود، هزاران شنونده را مجذوب و محظوظ می‌ساخت (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۵۰).

آیت‌الله خوانساری نیز اهل منبر بود و در نماز باران ۱۳۲۳ ش به منبر رفت (شیری، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۵۶۶). در نگاه آیت‌الله خوانساری، اهل منبر جایگاه ویژه‌ای در ساخت فرهنگ دینی داشتند و می‌توانستند نقش بسزایی در تعلیم عبادی مردم ایفا کنند. ایشان در جلسه‌ای که با تعدادی از سخنوران دینی ترتیب داده بود، آنها را چنین مورد خطاب قرار داد:

خدا یک نعمت بزرگی به شما داده است؛ آن نعمت، طلاق لسان و فصاحت کلام است و این را خدا به شما مرحمت کرده است که می‌توانید این منبرهای باشکوه را تحویل مردم دهید.

سزاوار است، خطبه‌ای را مخصوص نماز کنید؛ چون نماز در انظار مردم، خیلی کم‌ارزش و بی‌خاصیت شده است و مردم با حقارت به آن نگاه می‌کنند. با این قدرتی که خدا به شما داده است، می‌توانید این نماز را بزرگ کنید و از وضعیتی که دارد نجاتش دهید (ایدوم، ۱۳۷۳، ص ۶۳-۶۴).

آیت‌الله حاج شیخ محمد کبیر (۱۲۵۰-۱۳۲۹ ش)، از دیگر علمای صاحب‌نام قم بود که منبری شیرین داشت. وی در منزل خود در اعیاد و سوگواری‌ها منبر می‌رفت و مردم را از موعظه حسنه خویش بهره‌مند می‌ساخت. علمای بزرگی همچون: آیت‌الله صدرالدین صدر، آیت‌الله حائری و آیت‌الله حرم پناهی (۱۲۷۹-۱۳۵۴ ش)، پای منبرش حاضر می‌شدند (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۲۲).

حاج میرزا محمدتقی اشراقی (۱۳۷۸-۱۳۲۸ ش)، از وعاظ مطرح این دوره بود که بسیاری از سخنرانی‌های خود را در قالب مباحث تفسیر قرآن ارائه می‌کرد و منبرهای او تا سال‌ها نقل محافل مذهبی بود (امیرخانی، ۱۴۰۰، ص ۲۷۱-۲۷۲). اشراقی سخنور بود و مطلبی که می‌خواست طرح کند، با تمام ریزه‌کاری‌ها چنان که باید، تشریح می‌کرد و در واقع، در حرف نمی‌ماند. اواخر منبر هم تا ذکر مصیبت تکیه به صوت سخن می‌گفت و سبک خاصی داشت که قابل تقلید نبود (دوانی، ب: ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۷۸). گاهی نیز به انتقاد از دستگاه سیاسی و سیاست‌مداران وطن‌فروش می‌پرداخت (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۰۸). وی علاوه بر قم، بیشتر از طرف حوزه و مدرسه فیضیه و میان اهل علم، در بعضی از شهرستان‌ها مانند همدان و تهران هم دعوت می‌شد و به عنوان یک واعظ و عالم منبر می‌رفت (دوانی، ب: ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۷۸) که در تهران، بیشتر در مسجد امام و سید عزیزالله در بازار و مدرسه صدر سخنرانی داشت و در نجف نیز مسجد هندی، میزبان منبرهای او بود (مهری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷).

حاج شیخ مرتضی انصاری قمی (۱۲۸۱-۱۳۵۰ ش) هم از دیگر مبلغان مطرح این دوره بود که مسافرت‌های تبلیغی به شهرستان‌های: کرمان، رفسنجان، یزد، کاشان، تهران، همدان، گیلان، خوزستان و خراسان انجام می‌داد و مبارزاتش علیه شیخی‌ها و صوفی‌ها و فرق ضاله دیگر، اثر نیکویی به جای گذاشت و بسیاری از مردم را به راه دین کشید و از انحراف نجات داد (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۰).

۲. تبلیغ در آثار مکتوب

علمای مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از عصر حضور تا کنون، پیوسته به تألیف کتاب‌ها و رسائلی در تبلیغ و دفاع از مکتب تشیع می‌پرداختند که دوران مراجع ثلاث نیز از این مسئله جدا نیست. تألیف‌های حوزویان در این عصر، علاوه بر کتاب و رسائل مذهبی، مقالاتی را که در مطبوعات منتشر می‌شد نیز در بر می‌گرفت و مطبوعات عرصه جدیدی برای حوزویان بود تا محتوای دینی مد نظر خود را با سرعت و گستردگی بیشتری در اختیار مخاطبان قرار دهند. به لحاظ روشی نیز آثار حوزویان در این دوران، اغلب دو گونه بود؛ نخست، آثاری که با رویکرد اثباتی و تبلیغی نگاشته می‌شد و دیگر، آثاری که در ردّ مخالفان و منتقدان و یا پاسخ به اشکالات آنان، به رشته تحریر در می‌آمد.

* تألیف کتاب

کتاب‌های تبلیغی متعددی از حوزویان در این دوران به چاپ رسید که برخی از آثار آیت‌الله صدر نیز در این زمره قرار می‌گیرند؛ مانند کتاب المهدی با موضوع امام زمان علیه‌السلام که در آن با استفاده از منابع اهل سنت، به اثبات وجود و غیبت و ظهور حضرت پرداخته است (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۴۹). رساله‌ای در عدم تحریف کتاب، رساله در ردّ شبهات وهابیت، رساله‌ای در حقوق که بر مبنای رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام به نگارش درآمده و مشتمل بر ۶۲ حق، از دیگر آثار ایشان است (همان، ص ۱۵۷؛ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۲؛ شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵).

دو کتاب «روحانیت و اسلام» و «فقه فارسی با مدارک، فروع دین و نصوص احکام» نوشته محمدباقر کمره‌ای (۱۲۸۴-۱۳۷۴ش)، از آثار شاخص این دوران با رویکرد اثباتی است. کتاب روحانیت و اسلام را باید یکی از نخستین آثاری دانست که در باره نظام سیاسی اسلام در دوره جدید و پس از آغاز حرکت احیای دین در دوره پس از رضاخان نوشته شده است. اثر یادشده، شرحی از فقه سیاسی و اقتصادی اسلام است که مؤلف ضمن آن تلاش می‌کند تا پایه‌های حکومت اسلامی را در این بخش روشن سازد. این کتاب، در فروردین‌ماه ۱۳۲۳ش به همت انجمن تبلیغات اسلامی در دو جلد به چاپ رسید (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱۹). کتاب فقه فارسی با مدارک، فروع دین و نصوص احکام، یکی دیگر از کارهای کمره‌ای پس از بازگشت به ایران

بود؛ آن هم در شرایط حساس کشور که زیر فشار گروه‌های کمونیستی و لائیک قرار داشت است (همان).

در میان آثاری که با رویکرد ردّ مخالفان یا پاسخ به سؤال‌های منتقدان نگاشته شد، کتاب کسر کسروی یا شکست کسروی، نسبت اسلام با دموکراسی، اثر آیت‌الله سید نورالدین شیرازی (۱۳۳۵-۱۲۷۴ ش) که در پاسخ به اندیشه‌های الحادی احمد کسروی (۱۲۶۹-۱۳۲۴ ش) که در غالب پرسش‌هایی مطرح شده بود، نگاشته شده است. این اثر، نخستین بار به سال ۱۳۲۲ ش به چاپ رسید (جعفریان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۵-۳۷).

دیگر کتابی که با رویکرد پاسخ به انتقادات و دفاع از اسلام به نگارش درآمد، کتاب کشف الأسرار امام خمینی (۱۲۷۹-۱۳۶۸ ش) در سال سال ۱۳۲۳ ش است. این کتاب که می‌توان از آن به عنوان آخرین اثر مهم این دوران یاد کرد، در قالب پاسخ به اثری بوده است که علی‌اکبر حکمی‌زاده (۱۲۷۶-۱۳۶۶ ش) در هفته‌نامه پرچم در ۱۳۲۲ ش تحت عنوان «اسرار هزارساله» منتشر کرد و در آن برخی عقاید شیعه را نقد نموده، در باره آنها پرسش کرده بود (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲، سراسر کتاب). این کتاب، طرح اولیه اندیشه حکومت اسلامی در تفکر امام است که آن را در شکل اولیه، تبیین نمود (حاج منوچهری، ۱۳۹۴، ج ۲۲، ص ۶۹۳-۶۹۴). البته در همین دوران، جوابیه‌هایی متعددی برای «اسرار هزار ساله» نوشته شده بود؛ از جمله کتاب کشف الاستار آیت‌الله خالصی‌زاده (۱۲۷۰-۱۳۴۲ ش) که ساکن کاشان بود؛ اما به صلاح‌دید بزرگان حوزه علمیه قم بنا شد که یک جواب به عنوان پاسخ حوزه علمیه قم مطرح شود که همان کتاب کشف الأسرار برگزیده شد و طی مذاکره‌ای هم آیت‌الله خالصی‌زاده پذیرفت تا از جوابیه خود صرف نظر کند (بدلا، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹-۲۰۱).

قدرت گرفتن وهابیت در سرزمین حجاز و شبهات آنان بر عقاید شیعیان نیز رفته‌رفته مورد توجه حوزویان قرار گرفت و علاوه بر آیت‌الله صدر، می‌توان از ردّیه شیخ محمدعلی حائری قمی (۱۲۵۱-۱۳۱۸ ش) بر وهابیت نام برد (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۷۷).

* مطبوعات

در دوران حکومت پهلوی اول، حدود ۲۴ نشریه دینی منتشر می‌شده که چهار نشریه: دیانت (۱۳۰۵ ش)، بلاغ (۱۳۰۷ ش)، دعوت اسلامی (۱۳۰۷ ش) و الدین والحيوة (۱۳۰۹ ش)، در

این دوران تأسیس شد (گودرزی، ۱۳۹۴، ص ۹۸-۱۰۰). این مطبوعات، بیشتر به مباحثی مانند: نقد و نفی مظاهر تمدن غرب، حجاب، مسائل زنان، عقب‌ماندگی مسلمانان و ارائه راهکار، اجرای قوانین و احکام اسلام می‌پراختند (ر.ک: زندیه و قربانی، ۱۳۹۸، ص ۶۷-۷۷).

به عنوان نمونه، نشریه الاسلام در شیراز، توسط یکی از علمای شیراز به نام محسن فقیه شیرازی (آدمیت، ۱۳۴۰، ج ۴، ص ۱۴۸-۱۵۰) به چاپ می‌رسید و تا سال ۱۳۱۹ ش ادامه داشت. این نشریه، مورد توجه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت و اجازه صرف وجوهات شرعی برای حمایت از آن را داد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۴).

مطبوعات دینی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش، ابتدا در تهران و توسط شماری از روحانیون و متدینین غیرروحانی انتشار یافت (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۹۹). در این دوره، مطبوعات دینی مانند احزاب، یا در پاسخ به کمونیسم که به شکل حزب توده مبانی دینی را مورد تهاجم قرار داده بودند، متولد شدند یا برای تبلیغ و ترویج ارزش‌های دینی شکل گرفتند یا برای نفوذ در حاکمیت و یا به دست آوردن حاکمیت راه‌اندازی شدند (حسینیان، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱). در آن زمان، همکاری حوزه علمیه قم با آن مطبوعات، چندان گسترده نبود و تنها به صورت جسته و گریخته، مقالاتی از طلاب قم و بیشتر به عنوان دانشجوی علوم دینی در آن مطبوعات به چاپ می‌رسید (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

این نوع نشریه‌ها در مجموع، فضای مناسبی برای بیان تعالیم اسلام توسط حوزویان بود که به عنوان نمونه، می‌توان از نشریه دانش‌آموز نام برد که به عنوان نشریه‌ای علمی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و دینی نشر می‌شد. در شماره آبان و آذر ۱۳۲۰ ش و پس از آن، مقالاتی در مورد تفسیر قرآن از آیت‌الله طالقانی (۱۲۸۹-۱۳۵۸ ش) و مقالاتی در مورد شرح نهج البلاغه و حرمت ربا از میرزا خلیل کمره‌ای (۱۲۷۶-۱۳۶۳ ش) به چاپ رسید (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۹۷-۱۹۸).

۳. تأسیس یا همکاری با سازمان‌های سیاسی - مذهبی

تأسیس سازمان‌های سیاسی - مذهبی توسط متدینان در عصر پهلوی، زمینه‌ساز تبلیغ اسلام به صورت نظام‌مند بود. روند تأسیس این سازمان‌ها در عصر پهلوی دوم، رشد فزاینده‌ای به خود گرفت و حوزویان این فرصت را مغتنم شمرده و یا خود، اقدام به راه‌اندازی این نوع سازمان‌ها

می‌کردند و یا با سازمان‌هایی که دینداران غیرروحانی تأسیس کرده بودند، همکاری می‌کردند.

* حزب برادران

این حزب، توسط آیت‌الله سید نورالدین شیرازی تأسیس شد که هدف اساسی آن، ایجاد یک خط دفاعی دینی در برابر توده‌ای‌ها و ملت‌یون بود. طرح اولیه حزب برادران (حزب نور)، در سال ۱۳۱۳ش ریخته شد و به صورت محرمانه در همان دوره رضاخان، کار توسعه آن دنبال شد. آیت‌الله شیرازی بعدها در سال ۱۳۲۵ش گفت:

دوازده سال قبل که هیچ‌کس قدرت تشکیل مجمع و حزب نداشت، برادرانی را هم‌عهد ساختم، تخمی زیر گل کردم... رفقای ازجان گذشته من نهایت باضبط و استقامت بودند و از نداشتن ظهور و بروز در این مدت، متأثر بودند... همین که آقای فرخ استاندار فارس مرزده استعفای پهلوی را رسانید... اولین دفعه، جماعت کثیری در شاهچراغ و مسجد معرکه خانه حضور به هم رسانیدند.

اعضای این حزب با سوگند «والله من در حفظ استقلال ایران در ظلّ لویای مذهب جعفری با شما همراهم»، وارد حزب شده و به فعالیت می‌پرداختند (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲).

این حزب، دو رسالت عمده برای خود در نظر گرفته بود؛ نخست، مبارزه سخت با حزب توده؛ زیرا فعالیت‌های فکری و حزبی آنان را عامل بی‌دینی در جامعه می‌دانست (ر.ک: آتشی، ۱۳۸۲، ص ۹۵). دومین فعالیت مهم این حزب نیز جمع‌آوری کمک‌های درمانی و معیشتی برای افراد تهیدست بود تا باری از دوش آنان در آن دوران سخت بردارد (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲).

این فعالیت‌ها به‌مرور دامنه نفوذ حزب به رهبری آیت‌الله شیرازی را گسترده کرد. این حزب همچنین، مرامنامه‌ای با دوازده اصل تنظیم کرد که علاوه بر حفظ وحدت ملی ایران و توسعه مذهب جعفری، سایر امور داخلی و حتی روابط خارجی کشور را نیز مورد توجه قرار داده بود. در نتیجه، می‌توان گفت این حزب تلاشی برای تبدیل اسلام سنتی به اسلام سیاسی بود. آیت‌الله شیرازی همچنین، روی اصل دوم متمم قانون اساسی تأکید فراوان داشت و در نوشته‌ای از وی که در سال ۱۳۲۳ش چاپ شد، تصریح کرد که وحدت کامل بین دولت و ملت ایران به عمل شدن به اصل دوم متمم قانون اساسی است (همان، ص ۱۵۴).

* انجمن تبلیغات اسلامی

از جمله تشکل‌های اسلامی این دوره که در سطح وسیعی از کشور فعالیت داشت، انجمن تبلیغات اسلامی بود که در فروردین سال ۱۳۲۱ ش توسط دکتر عطاءالله شهاب‌پور کرمانشاهی تأسیس گردید. فعالیت‌های مذهبی انجمن، باعث شد تا مجتهدان و روشنفکران مسلمان بسیاری با نامه‌های خود از انجمن حمایت کنند (همان، ص ۶۹-۷۰).

شعبه‌های انجمن تبلیغات اسلامی در شهرستان‌ها، از مردم و روحانیون متدین تشکیل شده بود که به تبلیغ و مباحث اسلامی می‌پرداختند. این شعبه‌ها، تعداد زیادی از جلسات مذهبی را اداره می‌نمودند و شخصیت‌هایی را نیز برای سخنرانی دعوت می‌کردند (حسینیان، ۱۳۸۱، ص ۴۶۳).

* جمعیت پیروان قرآن

حاج شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری (۱۲۷۵-۱۳۶۴ ش)، از روحانیونی بود که از ابتدا ذهنی تشکیلاتی داشت. وی در نخستین قدم در سال ۱۳۲۲ ش «جمعیت پیروان قرآن» را تأسیس کرد (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۹۵) که یکی از اصول آن، وادار نمودن جامعه به پیروی از علما و فقهای اثنی عشری بود (کوهستانی، ۱۳۸۵، ص ۵۱). مهم‌ترین اهداف این جمعیت، تبلیغ اسلام، پاسخ به مخالفان اسلام، توجه به تعلیم و تربیت کودکان و جوانان، کوشش در اتحاد مسلمانان، توجه به طلاب علوم دینی و کمک به فقرا بود (ر.ک: آیین اسلام، س ۱، ش ۱۷، ۱۳۲۳/۴/۱۶، ص ۶).

* جامعه تعلیمات اسلامی

این تشکیلات، از اوایل سال ۱۳۲۲ ش با همت شیخ عباسعلی اسلامی راه‌اندازی شد و برای چند دهه به فعالیت فرهنگی و آموزشی خود ادامه داد و خیلی زود فعالیت‌های خویش را گسترش داد؛ به طوری که روزنامه پرچم اسلام در شماره نهم خرداد ۱۳۲۵ ش خود از ۲۳ آموزشگاه آن با اسم و نشانی یاد کرده است (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۹۵-۹۶). هدف این جامعه، علاوه بر تبلیغ اسلام بر مبنای تشیع، تقلید از اعلم امامیه بود (ر.ک: کوهستانی، ۱۳۸۵، ص ۵۱). جامعه تعلیمات اسلامی، از علمای طراز اول کشور برای بهبود فعالیت‌های خود استمداد نمود که در این میان، آیت‌الله خوانساری این جامعه را با کمک‌های مادی و معنوی خویش یاری کرد (شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۲۰۵).

جامعه تعلیمات اسلامی از سوی هیئت‌های علمیه روحانی در شهرهای مختلف، مورد حمایت قرار می‌گرفت. در این باره هیئت علمیه اصفهان، ضمن اعلامیه‌ای از مردم خواست تا اطفال و جوانان خود را برای تحصیل به این مدارس ببرند. روحانیون گلپایگان نیز با برگزاری جلسه‌ای تلاش کردند با نشان دادن نواقص فرهنگ، از لزوم تأسیس مدرسه تعلیمات اسلامی حمایت کنند (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۹۸).

* جمعیت مبارزه با بی‌دینی

حاج مهدی سراج انصاری (۱۳۴۰-۱۲۷۵ ش)، در دوران پهلوی دوم دست به تشکیل برخی سازمان‌های سیاسی - مذهبی زد. یکی از نخستین آنها، «جمعیت مبارزه با بی‌دینی» بود که در سال ۱۳۲۳ ش تشکیل شد و شماری از علما و متدینین تهران، حاج سراج را یاری می‌کردند. مهم‌ترین رسالت این تشکل، مبارزه با نوشته‌های کسروی و خنثا کردن فعالیت‌های او بود. وظایف این جمعیت، در هشت بند بیشتر به: دفاع و تبلیغ اسلام، ایجاد اتحاد میان مردم و مسلمانان، پاسخ به شبهات و مساعدت به نیازمندان معطوف بود (همان، ص ۸۰-۸۱).

* جمعیت‌های متحده اسلامی

در همین زمان، یک جبهه فراگیر اسلامی تحت عنوان «جمعیت‌های متحده اسلامی» تشکیل شد که شامل «جمعیت پیروان قرآن»، «انجمن تبلیغات اسلامی»، «کانون اسلام» و «جمعیت روحانی منتظم» بود و مراسم و جشن‌های مذهبی را به صورت متمرکز برگزار می‌کردند (همان، ص ۱۱۱). ناگفته نماند که در این دوران، گروه‌های مذهبی دیگری نیز تشکیل شد که به فعالیت‌های تبلیغی می‌پرداختند (ر.ک: کوهستانی، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

۴. توجه به عبادت‌های جمعی

در اسلام برخی عبادت‌ها برای مؤمنان تعیین شده است که یا از اساس به صورت جمعی است و یا اینکه خداوند متعال به حضور دسته‌جمعی در این عبادت‌ها سفارش ویژه‌ای داشته است. این عبادت‌ها در ذات خود، دارای دو اثر شایسته توجه هستند؛ نخست اینکه صرف برگزاری آنها، نوعی تظاهر و تبلیغ اسلام است و دوم آنکه این برگزاری، زمینه‌ساز تبلیغ و تداوم دعوت اسلام است. این نوع عبادت‌ها مانند نماز جمعه یا برگزاری مراسم برای اهل بیت علیهم‌السلام که در دوران

سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) کم‌رنگ شده بود، پس از خلع او از قدرت، مورد توجه حوزویان قرار گرفت.

* نماز جمعه

یکی از اقدامات عبادی-سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خوانساری، اقامه نماز جمعه در مدرسه فیضیه قم از سال ۱۳۲۰ش بود. ایشان که نماز جمعه را احتیاط واجب می‌دانست (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶)، از همان سالی که کمی آزادی سیاسی و تخفیف فشار و استبداد در ایران به وجود آمد، به اقامه و احیای آن در شهر مذهبی قم و در مرکز حوزه علمیه پرداخت و گامی در عرصه اصلاح و روشنگری دینی، اجتماعی و سیاسی ایران برداشت. تأثیر اقامه نماز جمعه به امامت آیت‌الله خوانساری در کشور به قدری بود که به دنبال آن، در اغلب شهرستان‌ها نماز جمعه برپا گردید و این سنت عبادی متروک و مهجور مانده، احیا شد و نشاط معنوی را در دل مردم مسلمان زنده کرد. هزاران نفر از مردم متدین قم، طلاب، علما و فضلا در این آیین عبادی و سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کردند. به تدریج ازدحام مردم به حدی رسید که مدرسه فیضیه گنجایش نداشت. بنابراین، محل نماز جمعه را به مسجد جامع امام حسن عسکری علیه السلام انتقال دادند. آیت‌الله خوانساری تا سال ۱۳۲۳ش که آیت‌الله بروجردی به قم آمد، نماز جمعه را همچنان اقامه می‌کرد (قلی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۸-۳۹).

* حمایت از مراسم‌های اهل بیت علیهم السلام

آیت‌الله صدر در ایام محرم در قم، یک دهه مجلس روضه برگزار می‌کرد؛ اما خودش منبر نمی‌رفت. ایشان در این مجالس، با آراستگی کامل دم درب منزل می‌ایستاد تا همه مهمان‌هایی که می‌خواستند برای روضه بیایند، می‌آمدند. وقتی منبر و صحبت شروع می‌شد، همان‌جا می‌نشست. وقتی روضه تمام می‌شد و افراد می‌خواستند بروند، باز جلوی در می‌ایستاد تا افراد را مشایعت کند (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۱۳).

آیت‌الله خوانساری به برپایی مراسم برای اهل بیت علیهم السلام عنایت ویژه‌ای داشت و در شهادت‌ها و اعیاد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که پیش می‌آمد و به ایشان مراجعه شده و استدعا کمک می‌شد، مضایقه نداشت و به تعبیر محمد شریف رازی: «جاناً و مالاً و قدماً و لساناً، مبادرت به کمک می‌نمود» (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۸). علاوه بر آن، خود نیز بسیار مقید به شرکت در

مجالس روضه و عزاداری بود؛ حتی زمانی که برای استراحت یا بازدید بستگان به خوانسار سفر می‌کرد نیز مقید به شرکت در مجالس عزاداری بود (شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۲۲۰).

ایشان همچنین در سال ۱۳۲۸ ش در عزای حضرت زینب علیها السلام بعد نماز عشا با وجود کسالتی که داشت، با نوحه و شیون از مدرسه فیضیه با جمعیت طلاب و مؤمنان، به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف شد و به محضر حضرت عرض ادب کرد. فردای آن روز، وقتی خبر این کار در قم منتشر شد که آیت‌الله خوانساری با جمعیت طلاب و مؤمنان به حرم مشرف شده، مردم بازار و مغازه‌ها را تعطیل کردند و به تجلیل از مقام حضرت زینب علیها السلام پرداختند و این عزاداری با همت ایشان رسمیت یافت (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۹).

* نماز باران

در سال ۱۳۲۳ ش خشکسالی شدیدی در قم و اطراف آن رخ داد؛ به صورتی که تا مدتی هیچ‌وجه بارانی از آسمان نازل نشد و مردم به سختی و تنگنا افتادند. در چنین شرایطی بود که خطر قحطی مردم شهر را تهدید می‌کرد و در نتیجه، آیت‌الله خوانساری تصمیم گرفت با وجود نارضایتی برخی افراد، نماز باران بخواند و از خداوند طلب باران کند. به همین منظور، طبق مقررات دینی عده‌ای از مؤمنان برای این کار روزه گرفتند. به گزارش شریف رازی:

[ایشان] رداء مبارک را از راست به چپ و بالعکس انداخته پای برهنه مانند عموی بزرگوارش اعلی حضرت ثامن الائمه علی بن موسی بن الرضا (علیهما السلام) که در مرو خراسان برای استسقاء به بیابان رفت، استغفارگویان و تضرع‌کنان رهسپار سمت خارج خاکفرج گردید و به امید فتح و فرج رو به بیابان نهاد... با حضور جمع زیادی در حال تضرع و خشع به ذات مقدس ربوبی، نماز استسقاء را به جای آورده و با خطبه و دعاء پایان یافت. پس، روز دیگر را مرحوم آیت‌الله فقید - اعلی الله مقامه الشریف - با جمعی از خواص اهل علم با خضوع و خشوع بیشتر بیرون رفته و با چشمی گریان و دل بریان و ادعیه مأثور و غیر مأثور خوانده و در سجده تضرع زیادی نموده و تقاضای باران رحمت نموده و پس از سر برداشته، آثار رحمت حق تعالی را ظاهر دیدند (همان، ص ۱۴۷-۱۴۸).

آیت‌الله شبیری زنجانی که از حاضران در ماجرا بوده، می‌گوید: «[در اثر این نماز،] باران حدود یک ساعتی بارید. قبلش هیچ اثری از باران نبود و حتی احتمال عادی باران هم نمی‌رفت. آن را

همه به غیرعادی بودن حمل کردند.»

پس از آن، قمی‌ها برای شکرانه این باران، بازار را چراغانی کردند (شیری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۶۶-۵۶۷). این نماز، علاوه بر اینکه بر تقویت ایمان مردم مسلمان قم اثرگذار بود، باعث ارادت سربازان متفقین که در همان منطقه برگزاری نماز اردو زده بودند شد و از آیت‌الله خوانساری درخواست دعا برای پایان جنگ و بازگشتن به موطن خود کردند (بدلا، ۱۳۷۸، ص ۵۷).

۵. تلاش سیاسی برای اجرای احکام دین

یکی از روش‌هایی که علما و مراجع شیعه برای صیانت از اسلام و ترویج تعالیم آن در پیش می‌گرفتند، تلاش سیاسی و رایزنی با سیاستمداران برای اجرای احکام دین بود. پس از سال ۱۳۲۱ش، تلاش‌هایی برای رشد تعلیمات دینی در آموزش و پرورش شکل گرفت و نامه‌هایی در مورد آن برای نخست وزیر و وزیر فرهنگ ارسال شد. این نکته، مورد حمایت بسیاری از علمای فعال شهرستان‌ها بود که در رأس آنان، باید از آیت‌الله سید نورالدین شیرازی، از مراجع محلی شیراز نام برد که ضمن تلگرافی به وزیر فرهنگ، گوشزد کرد که چون «دولت‌های سابق، از معنویات نوباوگان غفلت کرده و ضررهای این غفلت پیداست، تقاضا می‌نمایم که در موقع تجدید نظر، رعایت کامل در پروگرام و برنامه آموزشگاه‌ها بفرمایید» (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۶۱).

آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی هم پس از بازگشت از تبعید، در تیرماه ۱۳۲۲ش (برای اطلاع از اوضاع تبعید ایشان، ر.ک: انصاری قمی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۸)، پیشنهادهای در راستای احیا و ترویج احکام دینی به دولت سهیلی ارائه کرد و سرانجام دولت وقت مجبور به پذیرش آنها شد. این پیشنهادات، عبارت بود از: ۱. آزادی حجاب بانوان؛ ۲. آزادی حوزه‌های علمیه و معافیت تحصیلی طلاب از خدمت نظام وظیفه؛ ۳. انحلال مدارس مختلط و جداسازی پسران و دختران؛ ۴. تعلیم دروس دینی در تمام مقاطع تحصیلی؛ ۵. نظارت یک مجتهد در شورای عالی فرهنگ؛ ۶. اصلاح ارزاق عمومی و جبران کمبود مواد غذایی. دولت، پس از دو ماه مسامحه و مجامله، سرانجام با حمایت عموم علما و ملت مسلمان، مجبور به پذیرش این پیشنهادات شد (انصاری قمی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۱).

۱. زیرا در این دوران داشتن حجاب برای بانوان توسط حکومت پهلوی ممنوع شده بود و زنان با حجاب مورد آزار حکومت قرار می‌گرفتند.

۶. شعر

یکی از ابزارهای ترویج و تبلیغ یک مکتب از دیرباز تا کنون، شعر است که شاعران هر دین و آیینی، برای تبلیغ دین خود و انتقاد از دیگران، به آن متوسل می‌شدند. شیعیان نیز در طول تاریخ، اشعار فراوانی در تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از خود به یادگار گذاشته‌اند. این مسئله نیز مورد توجه مراجع ثلاث قم قرار داشت. آیت‌الله صدر، از ذوق شعری بهره‌مند بود و اشعاری از ایشان در مدح اهل بیت علیهم‌السلام به دست رسیده است (ر.ک: خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۱-۲۶؛ همان، ج ۲، ص ۱۴۴۸-۱۴۵۳)؛ از جمله، شعری از ایشان که راجع به ویران کردن قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام توسط وهابیت، سروده شده است.

«لعمری ان الناحیة البقیع
و سوف تکون فاتحة الرزایا
فهل من مسلم لله یرعی
حقوق نبیه الهادی الشفیع»^۱

(مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۲۸).

این اشعار، در میان ادبا و شعرا و اعراب بین‌النهرین شهرتی عظیم یافت و صدها نفر از شعرای عرب آن را تخمیس و تضمین نموده و در جراید منتشر ساختند و بدین جهت، تا حدی احساسات مردم در خصوص تجاوزات و تعدیات نامشروع سعودی‌ها تحریک شد تا آنکه دولت عراق، آنها را جمع نمود و از خواندنش در مجالس و محافل و نشرش در جراید و مطبوعات، جلوگیری کرد (دوانی، الف: ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۰۵).

آیت‌الله خوانساری نیز روحی لطیف و طبعی روان داشت. ایشان حتی در دورانی که مشغله علمی و تدریس کمتر فرصت فراغت ایجاد می‌کرد، به شعرا تفقد داشت و آنان را مورد تشویق قرار می‌داد؛ تا با اشعار خود، مردم را به سوی اهل بیت علیهم‌السلام متمایل کند (مبهرن، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳).

۱. «به جان خودم فاجعه‌ای که در بقیع رخ داده، از دهشت آن موی سر بچه شیرخواره سفید می‌شود. به زودی این فاجعه مقدمه‌ای برای مصائب دیگر خواهد شد. اگر (مسلمانان) از این خواب‌گران پند نگیرند. آیا مسلمانی هست که به پاخیزد و از حقوق ضایع شده پیامبرش دفاع کند.» (دوانی، الف: ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۰۵)

نتیجه

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های حوزویان، تبلیغ دین است که در هر دوره‌ای با توجه به شرایط به آن پرداخته‌اند که دوران مراجع ثلاث (۱۳۱۵-۱۳۲۳ ش) نیز از آن جمله است. این پژوهش، با هدف یافتن ساختار و روش‌های تبلیغی حوزویان در این عصر، با روش کتابخانه‌ای داده‌های موجود را جمع‌آوری نمود و سپس، به توصیف و تحلیل آنها پرداخت. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که حوزویان در این عصر، شرایط بسیار دشواری داشتند. فشارهای حکومت به حوزه، از یک سو احتمال برچیده شدن حوزه علمیه قم را محتمل می‌کند و از سوی دیگر، آثار جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط متفقین، توان مردم و حوزه را گرفته است و به همین دلیل، حوزویان در این دوره، از داشتن ساختار منسجم تبلیغی و شبکه ارسال مبلّغ، محروم هستند. مراجع ثلاث در این عصر، با تحمل سختی‌های زیاد و از خود گذشتگی، موفق به مدیریت حوزه در این دوره می‌شوند که در نتیجه، با اقداماتی چون: نگهداری مدارس موجود و تأسیس مدارس جدید، تربیت علمی طلاب و حلّ مشکلات مادی طلاب، ساختار تبلیغی حوزویان حفظ می‌شود.

در بخش تبلیغی نیز حوزویان از روش‌هایی چون: منبر، تبلیغ در رسانه‌های مکتوب مانند کتاب و مطبوعات، عبادت‌های جمعی مانند نماز جمعه، برگزاری مجالس اهل بیت علیهم‌السلام، نماز باران، تلاش سیاسی برای اجرای احکام و شعر، بهره بردند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آتشی، منوچهر، ۱۳۸۲ش، آتشی در مسیر زندگی، به کوشش: قاسم یاحسینی، بوشهر، انتشارات شروع.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۸ق، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، قم، اسماعیلیان.
۴. اسدی مبرهن، شکرالله، ۱۳۹۱ش، زندگی سیاسی و اجتماعی آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵. الوان‌ساز خوئی، محمد، ۱۳۹۴ش، حجت فقیهان؛ سیری در حالات علمی و اخلاقی آیت‌الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلى الله عليه وآله.
۶. الویری، محسن، ۱۳۸۱ش، مدخل «تبلیغ»، دانشنامه جهان اسلام، چاپ اول، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۷. امیرخانی، غلامرضا، ۱۴۰۰ش، آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب قمی (جدد خاندان اشراقی)، مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم، به کوشش: رسول جعفریان، چاپ اول، قم، نشر مورخ.
۸. انصاریان خوانساری، محمد تقی، ۱۳۹۵ش، مرزبان ایمان و یقین؛ خاطرات و اسنادی منتشر شده درباره آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری، چاپ اول، قم، انتشارات انصاریان.
۹. انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۹ش، اختران قم، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما.
۱۰. ایدرم، حسن، ۱۳۷۳ش، سید محمد تقی خوانساری؛ بر چشمه‌ساران حضور، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. بدلا، سید حسین، ۱۳۷۸ش، هفتاد سال خاطره، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷۶ش، علما و رژیم رضاشاه نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ش، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۱۳. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۸۹ش، جرعه‌ای از دریا، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

۱۴. _____، ۱۳۹۷ش، جرعه‌ای از دریا، ج ۲ و ۳، چاپ پنجم، قم، انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
۱۵. _____، ۱۳۹۹ش، جرعه‌ای از دریا، ج ۴، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
۱۶. شریف رازی، محمد، ۱۳۷۳ق، آثار الحجّة یا تاریخ و دائرة المعارف حوزه علمیه قم، قم، کتاب‌فروشی برقی.
۱۷. _____، ۱۳۵۲ش، گنجینه دانشمندان، ج ۲، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی.
۱۸. شمس‌الدین، سید مهدی؛ با همکاری جمعی از محققان، ۱۳۹۷ش، حدیث جهاد و اجتهاد، چاپ اول، تهران، نشر متق.
۱۹. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱ش، برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. _____، ۱۳۹۶ش، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا انقلاب اسلامی (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، چاپ اول، تهران، نشر علم.
۲۱. _____، ۱۳۸۴ش، رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی اول، تهران، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. _____، ۱۳۸۲ش، مطبوعات اسلامی: تاریخچه و اخلاق روزنامه‌نگاری، نخستین جشنواره مطبوعات اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه اطلاع‌رسانی سراج، مقاله «مطبوعات حوزوی»: ۹۹-۱۱۰.
۲۳. حاج منوچهری، فرامرز، ۱۳۹۴ش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «خمینی»، ج ۲۲، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۴. حسام مظاهری، محسن، ۱۳۹۰ش، رسانه شیعه جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران، چاپ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۵. حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۱ش، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. _____، ۱۳۸۷ش، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۷. _____، ۱۳۸۲ش، مطبوعات اسلامی: تاریخچه و اخلاق روزنامه‌نگاری، نخستین جشنواره مطبوعات اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه اطلاع‌رسانی سراج، مقاله «مطبوعات دینی»: ۱۱۱-۱۱۹.
۲۸. حکمی‌زاده، علی‌اکبر، ۱۳۲۲ش، اسرار هزارساله، بی‌جا.
۲۹. خاتم یزدی، عباس، ۱۳۸۱ش، خاطرات آیت‌الله خاتم یزدی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۰. خسروشاهی، سید باقر، ۱۳۹۹ش، صدرنامه احوال و آثار آیت‌الله العظمی سید صدرالدین و فرزندش سید رضا صدر، چاپ اول، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
۳۱. خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۷۵ش، فدائیان اسلام؛ تاریخ، عملکرد، اندیشه، تهران، اطلاعات.
۳۲. دوانی، علی، ۱۳۷۹ش، مفاخر اسلام، ج ۱۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۳. _____، ۱۳۷۹ش، نقد عمر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ب، ۱۳۷۹ش.
۳۴. رکن‌زاده (آدمیت)، محمدحسین، ۱۳۴۰ش، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۴، تهران، خیام و اسلامیه.
۳۵. زندیه، حسن؛ قربانی، حسینعلی، شهریور ۱۳۹۸ش، «جریان‌شناسی تطبیقی مطبوعات ینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۲۸۶-۱۳۲۰ش)»، فصلنامه معرفت، سال بیست‌وهشتم، شماره ششم: ۶۷-۷۷.
۳۶. صدر هاشمی، محمد، ۱۳۶۳ش، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، انتشارات کمال.
۳۷. قلی‌زاده علیار، مصطفی، ۱۳۸۹ش، مراجع ثلاث، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۸. کرمی‌پور، حمید، ۱۳۸۲ش، خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۹. کوهستانی، مسعود، ۱۳۸۵ش، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم، کتاب دوم، چاپ اول، تهران، نشر نی.

۴۰. گلی زواره، ۱۳۷۵ش، ارزیابی سوگواری‌های نمایشی، چاپ اول، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۱. گودرزی، حسین، ۱۳۹۴ش، بررسی تحلیلی نشر مطبوعات دینی در ایران، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۲. مدرس تبریزی، محمدعلی، ۱۳۷۴ش، ریحانة الأدب، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خیام.
۴۳. مظفری، آیت، ۱۳۸۷ش، جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر، چاپ سوم، قم، زمزم هدایت.
۴۴. مهری، فرشید، ۱۳۸۴ش، مساجد بازار تهران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۵. نورستانی، نصرت‌الله، ۱۳۲۳ش، مجله آیین اسلام، سال اول، شماره یک.
۴۶. نیازمند، رضا، ۱۳۸۳ش، شیعه در ایران: شیعه چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟، تهران، حکایت قلم نوین.